

مقدمه‌ای در  
آموزه‌های اقتصادی  
ومالی اسلام

سرشناسه	: دادگر، یدالله، ۱۳۳۴ -
عنوان و نام پدیدآور	: مقدمه‌ای در آموزه‌های اقتصادی و مالی اسلام/یداله دادگر.
مشخصات نشر	: تهران : آماره ، ۱۴۰۲
مشخصات ظاهری	: ۳۶۸ ص.
شابک	: 978-600-7446-00-3
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
یادداشت	: کتابنامه .
موضوع	: اسلام و اقتصاد
رده بندی کنگره	: BP ۲۳۰ / ۲ / د ۲۳ م ۷ ۱۳۹۳
رده بندی دیویی	: ۲۹۷/۴۸۳۳
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۵۲۸۳۰۷

مقدمه‌ای در  
آموزه‌های اقتصادی  
ومالی اسلام

دکتر یداله دادگر  
استاد دانشگاه شهید بهشتی





عنوان کتاب: مقدمه‌ای در آموزه‌های اقتصادی و مالی اسلام

تألیف: دکتر یداله دادگر، استاد دانشگاه شهید بهشتی

شابک: ۳-۰۰-۷۴۴۶-۶۰۰-۹۷۸

نوبت چاپ: سوم، ۱۴۰۲

تیراژ: ۳۰۰ نسخه

هر گونه کپی برداری، اسکن، میکروفیلم جزئاً یا کلاً بدون اجازه مکتوب نشر آماره ممنوع بوده و پیگرد قانونی دارد

محتوای اصلی کتاب بازتاب اندیشه‌های پدیدآورنده توسط ناشر می‌باشد و مسئولیت درستی آن به عهده وی می‌باشد

© تمامی حقوق چاپ و نشر برای نشر آماره محفوظ است  
چاپ ایران - تهران

دفتر مرکزی نشر آماره: تهران، میدان انقلاب، خیابان انقلاب، ابتدای خیابان دوازده فروردین، پلاک ۳۱۶، واحد ۴

تلفن ۰۹۳۶۸۷۶۴۳۹۱

Title: Economic and Financial Teachings in Islam

Author: Dr. Dadgar, professor of shahid beheshti university

ISBN: 978-600-7446-00-3

The 3<sup>rd</sup> edition published: August, 2023

Circulation: 300 impression

No portion of this book may be reproduced, by any process or technique, without the express written consent of the publisher (Amareh press)

The views expressed in this publication represent those of the individual Author and Editor. These views do not necessarily reflect endorsement by the Publisher (Amareh press)

© ALL RIGHTS RESERVED: for the Amareh press

Printed in Iran-Tehran

## فهرست مطالب

پیشگفتار.....	۹
فصل اول: کلیات موضوع.....	۱۱
۱-۱- مقدمه.....	۱۱
۱-۲- تاریخچه و ادبیات.....	۱۶
۱-۳- ملاحظات مربوط به مبانی نظری.....	۲۵
۱-۴- برخی دستاوردهای فصل.....	۳۲
فصل دوم: مروری بر مسائل و سؤال‌های اساسی.....	۳۵
۲-۱- مقدمه.....	۳۵
۲-۲- ملاحظات اولیه و ارتباط دین و اقتصاد.....	۴۰
۲-۳- یک سلسله سؤال‌های کلیدی.....	۴۸
۲-۴- پاسخ‌واره‌ای به برخی از دیگر سؤال‌ها.....	۵۴
۲-۵- برخی دستاوردهای فصل.....	۵۸
فصل سوم: روش‌شناسی دین و اقتصاد.....	۶۱
۳-۱- مقدمه.....	۶۱
۳-۲- قلمرو روش‌شناسی.....	۶۴
۳-۳- روش علمی و دیگر ملاحظات روش‌شناختی.....	۶۹
۳-۴- برخی دستاوردهای فصل.....	۷۸

۷۹	فصل چهارم: اخلاق و آموزه‌های اقتصادی اسلام.....
۷۹	۴-۱- مقدمه.....
۸۵	۴-۲- پیوندهای اخلاقی عام.....
۹۷	۴-۳- اخلاق در ساختارها و زیرسیستم‌ها.....
۱۰۳	۴-۴- اخلاق و بخش عمومی.....
۱۰۸	۴-۵- برخی دستاوردهای فصل.....
۱۰۹	فصل پنجم: نهادهای اقتصادی و مالی.....
۱۰۹	۵-۱- مقدمه.....
۱۱۲	۵-۲- نهادها و آموزه‌های دینی.....
۱۲۰	۵-۳- عناصر نهاد ساز.....
۱۲۵	۵-۴- اصول حاکم بر ابزارها و بازارهای مالی.....
۱۲۹	۵-۵- ابعادی از ربا و بهره.....
۱۳۶	۵-۶- برخی دستاوردهای فصل.....
۱۳۷	فصل ششم: ابعاد و عناصر عمومی دستگاه مالی.....
۱۳۷	۶-۱- مقدمه.....
۱۴۲	۶-۲- سطوح تأمین مالی، بازارها و ابزارهای آن.....
۱۵۲	۶-۳- واحدها و نظریه‌های مالی.....
۱۵۸	۶-۴- کارکرد برخی تکنیک‌ها و ساختارهای مالی.....
۱۶۳	۶-۵- ارزیابی اقتصادی ساختارهای مالی.....
۱۶۹	۶-۶- ملاحظات پیوند زیرسیستم‌های مالی بین‌المللی و داخلی.....
۱۷۲	۶-۷- برخی دستاوردهای فصل.....
۱۷۳	فصل هفتم: نمونه نهادها و ساختارهای مالی شریعت.....
۱۷۳	۷-۱- مقدمه.....
۱۷۶	۷-۲- خاستگاه دستگاه مالی شریعت.....
۱۸۶	۷-۳- ابعاد آغازین مهندسی مالی شریعت.....
۱۹۵	۷-۴- طبقه‌بندی‌ها و ظرفیت‌سازی‌ها.....
۲۰۴	۷-۵- برخی خصوصیات ابزارهای مشارکتی.....
۲۰۸	۷-۶- برخی دستاوردهای فصل.....

فصل هشتم: تحلیل اقتصادی دستگاه مالی.....	۲۱۱
۸-۱- مقدمه.....	۲۱۱
۸-۲- قیمت دارایی، نرخ بازدهی و چند عنوان تکمیلی مالی.....	۲۱۳
۸-۳- ابعادی از ساختار خرد بازار مالی.....	۲۲۱
۸-۴- پیش‌بینی‌پذیری، تصمیم‌گیری و انتخاب سبد دارایی.....	۲۲۷
۸-۵- چند محور تکمیلی در تحلیل اقتصادی دستگاه مالی.....	۲۳۴
۸-۶- برخی دستاوردهای فصل.....	۲۳۹
فصل نهم: تحلیل مشتقات و مدیریت ریسک.....	۲۴۱
۹-۱- مقدمه و تحلیل اقتصادی اولین ابزارهای مشتقه.....	۲۴۱
۹-۲- قراردادهای و ابزارهای فوروارد و آینده.....	۲۴۲
۹-۳- قراردادهای و بازارهای سوپ و حق اختیار.....	۲۴۹
۹-۴- پوشش ریسک در شریعت.....	۲۵۸
۹-۵- ابعاد و گستره ریسک در دستگاه مالی شریعت.....	۲۶۳
۹-۶- ملاحظات تکمیلی دستگاه مالی شریعت در مدیریت و پوشش ریسک.....	۲۷۲
۹-۷- برخی دستاوردهای فصل.....	۲۷۷
فصل دهم: ظرفیت‌ها، عملکردها و نتایج قابل ملاحظه.....	۲۷۹
۱۰-۱- مقدمه.....	۲۷۹
۱۰-۲- زمینه‌های انتشار اوراق بهادار شریعت.....	۲۸۲
۱۰-۳- فرایند نهادی در آموزه‌های اقتصادی اسلام.....	۲۸۹
۱۰-۴- مطالعه تطبیقی کلی: نظریه و رفتار.....	۲۹۵
۱۰-۵- روندهای اقتصادی و مالی.....	۳۰۲
۱۰-۶- نتایج قابل ملاحظه.....	۳۱۱
۱۰-۷- برخی دستاوردهای پایانی.....	۳۲۸
قسم‌نامه اقتصاددانان.....	۳۳۰
کتاب‌شناسی.....	۳۳۱
نمایه.....	۳۶۱





## پیشگفتار

قدرت وسیع بین رشته‌ای علم اقتصاد موجب شده که گروه‌هایی از محققان، بحث‌هایی از دین و اقتصاد و اخلاق و اقتصاد را مطرح سازند. به گونه‌ای که هم اکنون زیر رشته‌های اخلاق و اقتصاد و دین و اقتصاد به تولید و تکامل ادبیات خود ادامه می‌دهند. این کتاب به تحلیل موضوع مربوطه می‌پردازد. در عین حال همان طور که در عنوان اصلی کتاب ذکر شده این اثر تنها مقدمه‌ای در آموزه‌های اقتصادی اسلام و دستگاه مالی آن است و کاربرد عبارت «مقدمه» در آن معنی دار است. از این رو شاید بتوان این مجموعه را بیشتر عنوان‌های اصلی موضوع دانست تا تفصیل جزئیات بحث. این نوشته به گونه‌ای تنظیم گردیده که پنج فصل اول آن جوانب نهادی، روش شناختی و پایه‌ای بحث را شامل می‌گردد و پنج فصل دیگر، موضوع را در چارچوب دستگاه مالی شریعت تبیین می‌کنند. تلاش شده که این مجموعه علاوه بر استفاده علاقمندان عمومی، در چارچوب آموزشی هم قرار گیرد. مثلاً پنج فصل اول می‌توانند برای واحدهای عمومی دین و اقتصاد، اسلام و اقتصاد و اخلاق و اقتصاد تدریس شوند. فصل‌های ششم تا دهم می‌توانند در درس بازارها یا ابزارهای مالی اسلامی بکار روند. همچنین می‌توان این مجموعه را به همان صورت برای درس‌های اقتصادی اسلامی (۱) و (۲) نیز مورد استفاده قرار داد.

به مدرسان محترمی که می‌خواهند کل کتاب را در یک ترم پوشش دهند، توصیه می‌شود که فصل‌هایی را برای تدریس گزینش نمایند و مطالعه باقی فصل‌ها را به اختیار دانشجویان بگذارند (تدریس الزامی همه فصل‌ها برای یک درس ۳ واحدی زیاد به نظر می‌رسد). در تدوین این نوشته سعی شده از آخرین یافته‌های قابل دسترس در زمینه موضوع استفاده شود. یک هدف این نوشته

روشن ساختن برخی سوء تفاهم‌ها در زمینه موضوع می‌باشد. از این رو می‌توان رویکرد آن را بررسی واقع‌بینانه و یا نقادانه از موضوع نیز دانست. هدف ضمنی آن است که تصویر صحیحی از موضوع ارائه شود زیرا تصویر نادرست از آن، هزینه تربیتی سنگینی تحمیل می‌کند. همچنین کاربرد «آموزه‌های اقتصادی اسلام» بجای اقتصاد اسلامی در این اثر نشانه نوعی احتیاط پژوهشی در این رابطه می‌باشد. با وجودی که مطلب در سطح تحصیلات تکمیلی تدوین گردیده، اما فصل‌هایی از آن برای دانشجویان لیسانس نیز می‌تواند استفاده شود. مناسب است بر یک یافته مهم این کتاب یعنی اصالت اخلاقی آموزه‌های اقتصادی اسلام و ضرورت توجه عملی به آن تأکید شود. بدین صورت که اگر رفتار کارگزاران با اخلاق مربوطه همراه نباشد این آموزه‌ها در بهترین شکل به قانونی زیبا می‌مانند که هیچ‌گاه به آن عمل نمی‌شود. توجه به رویکرد این کتاب که یافته‌های پژوهشگران از دین لزوماً منطبق بر اصل دین نبوده و نقد پذیر می‌باشد، خود این اثر نیز قابل نقد و اصلاح است. در نتیجه از دریافت اظهارنظرها، نقدها و پیشنهادهای علاقمندان به موضوع، به ویژه دانشگاهیان، اساتید و دانشجویان گرامی سپاسگزاری می‌نمایم. در پایان از نشر آماره و مسئول محترم آن جناب آقای نوع‌پرست و سایر همکاران ایشان که زحمت ویرایش، نمایه‌سازی و چاپ این مجموعه را تحمل کرده‌اند، به طور خاص تشکر می‌کنم.

یداله دادگر

تابستان ۱۳۹۳

## فصل اول

# کلیات موضوع

این فصل به تاریخچه مختصری از موضوع، پیشینه‌های کلی، پایه‌های نظری، ضرورت، اهمیت و روش تدوین کتاب اشاره دارد.

### ۱-۱- مقدمه

**شرط کلی کارآمدی و اثر بخشی:** یک شرط کارآمدی آموزه‌های اقتصادی اسلام در این کتاب آن است که به درستی درک شده و به درستی مورد عمل واقع شوند. اگر این آموزه‌ها درست تبیین نگردیده و درست مورد عمل واقع نشوند، کارساز نخواهند بود (این مقدمه در چند زیر بخش فرعی ادامه می‌یابد).

### ۱-۱-۱- اقتصاد دینی و تحلیل اقتصادی از دین

مناسب است در آغاز دو عبارت اقتصاد دینی و تحلیل اقتصادی از دین توضیح داده شوند. چون در حال حاضر بحث‌های دین و اقتصاد به طور کلی و اسلام و اقتصاد به طور خاص در این دو عرصه مطرح هستند. «اقتصاد دینی»<sup>۱</sup> مانند اقتصاد اسلامی، اقتصاد مسیحی، اقتصاد یهودی، اقتصاد بودایی و

---

1. Religious economy

مانند آن شعبه اول را پوشش می‌دهند. اما بررسی عقاید و رفتارهای مربوط به دین از منظر عقلانیت و با محوریت متدلوژی اقتصاد به «تحلیل اقتصادی از دین»<sup>۱</sup> مربوط است.

**ساختار کلی اقتصاد دینی:** در اقتصاد دینی امور اقتصادی بر اساس اصول و بنیان‌های دین توصیف و تحلیل می‌شوند. بنابراین اگر بحث از آموزه‌های اقتصادی اسلام است، پیش‌بینی می‌شود که نهادها و ساختارهای اقتصادی بر اساس اخلاق، احکام و عقیده اسلامی شکل گیرد. بر اساس اقتصاد دینی، مجموعه‌ای از اصل‌ها و فرض‌های دینی بر امور اقتصادی حاکم‌اند. به این صورت که اقتصاد می‌تواند پیوندی با الهیات، مبانی متافیزیکی و فلسفی، آموزه‌های کتاب‌های مقدس، گفتار و رفتار پیامبران و مانند آن داشته باشد.

**چارچوب اولیه تحلیل اقتصادی از دین:** در تحلیل اقتصادی از دین بررسی عقاید و رفتارهای دینی، بر اساس متدلوژی اقتصاد و به طور خاص عقلانیت اقتصادی است. به عنوان مثال در اینجا بحث می‌شود که آیا رفتار یک دین‌دار در نخوردن شراب و یا در عدم استفاده از ربا، توجیه عقلانی دارد یا خیر. بدیهی است که در این رابطه و بر اساس رویکردهای مختلف از عقلانیت می‌توان پارادایم‌های مختلفی از تحلیل اقتصادی دین را در نظر داشت.

### ۲-۱-۱- دامنه عقلانیت و نفع شخصی

**عقلانیت ابزاری و عقلانیت فراگیر:** می‌توان رویکردهای مربوط به عقلانیت در اقتصاد را در دو اردوگاه عقلانیت ابزاری و عقلانیت فراگیر قرار داد.<sup>۲</sup> بر اساس رویکرد حداقل‌گرایانه عقلانیت ابزاری، هدف کارگزاران اقتصادی (خانوارها، بنگاه‌ها و دولتی‌ها) تنها رسیدن به حداکثر منافع شخصی، مادی و کوتاه مدت است. اما در چارچوب عقلانیت فراگیر، رسیدن به اهداف گوناگونی از منافع شخصی تا منافع اجتماعی، معنوی، بلند مدت و مانند آن مطرح می‌شود. **فراگیری نفع شخصی:** لازم است اشاره شود که نفع شخصی نیز در یک طیف وسیع مطرح است که بر اساس جهان بینی‌های مختلف می‌تواند شامل نفع شخصی مادی صرف، کوتاه مدت صرف، نفع شخصی اجتماعی صرف، نفع شخصی مادی و معنوی، کوتاه مدت و بلند مدت، فردی و اجتماعی و یا ترکیب دیگری از موارد یاد شده باشد (می‌توان نفع شخصی یاد شده را نفع شخصی گسترش یافته نیز نامید).

1. Economic analysis of religion

۲. به عبارت دیگر عقلانیت یک عبارت عمومی است که دو اردوگاه ابزاری و فراگیر را در بر می‌گیرد.

**مواردی از نفع شخصی:** تلاش یک متدین برای انجام یک مراسم مذهبی ممکن است به خاطر کسب نفع شخصی منتها نفع شخصی معنوی باشد. یا کمک به یک فقیر، ممکن است هم با انگیزه کسب رضایت خداوند به عنوان یک نفع شخصی معنوی باشد و هم کمک به یک فرد از جامعه، با انگیزه کسب نفع شخصی اجتماعی صورت گیرد. در عین حال انگیزه فرد یاد شده از این کمک می تواند تنها جنبه خودنمایی و نفع شخصی مادی داشته باشد. **ذاتی بودن نفع شخصی:** برخی رویکردها عقیده دارند که اصولاً نفع شخصی گرایی در ذات انسان است و بنابراین نمی توان انسانی را تصور کرد که دنبال نفع شخصی نباشد. حتا تعدادی از فیلسوفان مسلمان نیز با تأکید بر عبارت «حب ذات» در انسان، گویی این خصلت ذاتی بودن نفع شخصی گرایی انسان را تایید می کنند.

### ۳-۱-۱- نفع شخصی و ساختار انسانی

**امکان سنجی جدایی نفع شخصی و غیر شخصی:** عده ای عقیده دارند که از یک طرف تلاش همه انسان ها تنها برای کسب منافع شخصی نمی باشد و از طرف دیگر نفع شخصی و نفع اجتماعی بر هم منطبق نیستند، بلکه می توانند جایگزین هم باشند. بنابراین فردی که به فقیر کمک می کند، رفتار نوع دوستانه خود را منعکس می کند و این نفع اجتماعی است و نه نفع شخصی. این تصور می تواند بیانگر وجود انسان هایی با پیش های متفاوت باشد. یعنی بیشتر انسان ها دنبال منافع شخصی هستند، ولی گروه هایی هم بیشتر منافع اجتماعی را پی می گیرند و تعدادی هم دنبال ترکیبی از منافع شخصی و اجتماعی می باشند. **ابعاد گوناگون انسان شناسی:** مطالعات نشان می دهد که ابعاد انسان شناسی متفاوتی شکل می گیرد. به عنوان مثال انسان های هابزی، روسویی (و انسان فرشته گونه آنارشیستی) و انسان هایی بین این ها مطرح می شوند. زیرا در اندیشه جان هابز (۱۶۷۹-۱۵۸۸)، انسان گرگ انسان است. بنا بر انسان هابزی، انسان ها تنها دنبال حداکثر کردن منافع شخصی کوتاه مدت خود هستند و برای رسیدن به آن همانند گرگ ممکن است دیگران را نابود سازند. در مقابل، در اندیشه آنارشیست ها و تا حدودی روسو (۱۷۷۸-۱۷۱۲)، انسان ها موجوداتی شریف هستند که منافع خود را فدای منافع جامعه می کنند و هیچ مشکلی برای جامعه به وجود نمی آورند.<sup>۱</sup> برعکس انسان هابزی که گرگ است، انسان آنارشیست ها و انسان روسو گویی فرشته است.

۱. برخلاف تصور ظاهری از آنارشیست ها که هرج و مرج طلبی است، آن ها انسان را همانند فرشته می دانند و به همین خاطر عقیده دارند بگذارید انسان ها هر کاری می خواهند انجام دهند و به معنای عامیانه انسان نیازی به آقا بالا سر ندارد. اساس مفهوم آنارشیسم همان عقیده به بالا سر نداشتن است (دادگر ۱۳۹۳ الف).

**نمونه‌های سه نوع انسان:** واقعیت آن است که نه همه انسان‌ها گرگ هستند و نه همه فرشته. با وجودی که برخی از انسان‌ها آن چنان دنبال حداکثر کردن منافع شخصی هستند که از گرگ هم درنده‌تر هستند، گروه‌هایی هم هستند که آنقدر به فکر منافع اجتماعی و انسانی و نوع دوستی هستند که منافع شخصی خود را هم فدا می‌کنند. از این رو رفتارهای واقعی انسان‌ها بیشتر به الگوی بینابین (نه گرگ و نه فرشته) نزدیک‌ترند. توصیف اخیر از سویی با آموزه‌های اسلامی و از سوی دیگر با دیدگاه‌های صاحب نظرانی مانند تامس جفرسون (۱۸۲۶-۱۷۴۳) سازگار می‌باشد. بر اساس دیدگاه جفرسون با وجودی که نباید به انسان‌ها خوش بین بود و باید آن‌ها را کنترل کرد، اما باید قبول کرد که این موجودات هم ظرفیت انسانی و مثبت دارند و هم گنجایش خصلت‌های منفی و مشکل آفرین.

**ساخت انسان در آموزه‌های دینی:** بر اساس آموزه‌های دینی انسان هم ظرفیت خوب شدن (به کمال رسیدن) و هم بد شدن (سقوط کردن) را دارد. بنابراین اینکه در عمل و به صورت بالفعل، کدام بخش از ظرفیت‌های انسان شکوفا گردد تعیین کننده خواهد بود. ظرفیت انسان از منظر قرآن طیفی را شامل می‌شود که هم می‌تواند بدتر از حیوان و هم بهتر از فرشته باشد.<sup>۱</sup> در نتیجه چگونگی انسان‌های موجود بستگی به این دارد که آن‌ها بعدها ی انسانی یا حیوانی ظرفیت خود را به واقعیت برسانند. در نهایت بر اساس پذیرش نوع عقلانیت (ابزاری یا غیر ابزاری) گرایش انسان و در نتیجه تحلیل اقتصادی از دین نیز متفاوت خواهد بود.

#### ۴-۱-۱- چند مطلب تکمیلی

**واقعیتی به نام دین و اقتصاد:** بحث اقتصاد دینی، یا تحلیل اقتصادی از دین به عنوان یک واقعیت (و بدون داوری در مورد کارآمدی یا ناکارآمدی آن)، به ویژه پس از دهه ۱۹۷۰ به بعد مطرح است. هر چند رویکردهای سنتی از دین و اقتصاد ریشه طولانی تری در تاریخ دارند. اما آثار جدید آن حداقل دو قرن از شکل‌گیری علم اقتصاد عقب هستند. به همین خاطر انتظار از یافته‌های آن‌ها نیز بایستی با توجه به این شکاف تاریخی مورد نظر باشد. در ضمن مطالعات دین و اقتصاد اختصاص به اسلام ندارد، و تقریباً همه ادیان معروف جهان از جمله مسیحیت، یهودیت و بودا نیز پرتوهایی از آن را برجسته می‌کنند. **تقاضا و عرضه دین و اقتصاد:** تقاضاهایی برای انجام پژوهش، آموزش و

۱. تعبیر قرآن در: اولنک کالانعام بل هم اضل (اعراف ۱۷۹) گویای این واقعیت است. همچنین تعابیر مشابه در آموزه‌های دینی در مورد صعود انسان به «اعلیٰ علین» از یک سو و سقوط او به «اسفل السافلین» از سوی دیگر می‌تواند ترجمان وضعیت پیش گفته باشد.

اجرا در دین و اقتصاد ایجاد گردیده که عرضه متناسب خود را طلب می کند. شاید یک دلیل اینکه این زیر رشته هنوز نتوانسته نظریه ها و تجربه های قابل رقابت کافی با دیگر عرصه های پژوهشی اقتصاد را تولید کند عرضه نامتناسب آن باشد.

**چند عامل موفقیت:** توجه به چند عامل می تواند در موفقیت دین و اقتصاد مؤثر باشد: ۱- پذیرش چند رویکردی بودن آن. ۲- تأکید بر رویکردهای میانه و متعادل. ۳- حرکت به سوی اخلاق محوری، زیرا اخلاق ستون گوهرین دین است. ۴- دوری از جانبداری های ایدئولوژیک، سیاست زدگی و ابزار شدن دین برای قدرت. ۵- همراهی مسالمت آمیز با یافته های علم اقتصاد متعارف و دیگر یافته های علمی، عقلی و عقلایی. ۶- نظام مندی. ۷- پویایی (این امور در فصل های کتاب بررسی می شوند). **چند پیامد توجه به عامل های موفقیت:** در صورت توجه به عامل های موفقیت، ۱- رویکردهای اقتصادی از دین متنوع بوده و انحصاری کردن یک رویکرد غیر قابل دفاع می شود. ۲- کارآمدی و اثر بخشی رویکردهای میانه و متعادل بیشتر از رویکردهای افراطی خواهد بود. ۳- اخلاق مهم ترین ارکان دین و اقتصاد می گردد. ۴- ابزار قدرت و ایدئولوژی شدن آموزه های دین و اقتصاد غیر قابل قبول خواهد شد. ۵- روند مسالمت آمیز بین آموزه های اقتصادی دین و یافته های علم اقتصاد، کمک کننده و نجات بخش خواهد بود. ۶- توجه به ملاحظات سیستمی انسجام و انضباط دین و اقتصاد را تقویت می کند. ۷- بها دادن عملی به پویایی دین و اقتصاد کمک عظیمی به بهره وری این مطالعات می کند.

**دین و سیاست، دین و حکومت:** مناسب است در پایان این مقدمه دو مطلب از هم جدا شود یکی ارتباط دین و سیاست است و دیگری پیوند دین و حکومت. روشن نشدن این موضوع می تواند برای مطالعات دین و اقتصاد گمراه کننده باشد. با وجودی که پیوند دین و حکومت ممکن است چالشی باشد، اما ارتباط دین و سیاست می تواند امری طبیعی و عادی به حساب آید. زیرا پیوند دین با سیاست همانند پیوند هنر با سیاست، فرهنگ با سیاست، اقتصاد با سیاست و امور مشابه خواهد بود. اما پیوند دین و حکومت بحث متفاوتی است. آنجا است که ممکن است دین ابزار قدرت شود و یا امور ایدئولوژیک بر دولت و در نتیجه بر جامعه حاکم شود. اینکه از برخی شخصیت ها نقل می شود که دیانت عین سیاست است و سیاست عین دیانت، ممکن است صحیح باشد اما به معنای ترکیب دین و حکومت نیست. شکست تجربه حکومت دینی در قرون وسطا و پس از آن از این زاویه قابل بحث است. در عین حال با پذیرش فرض تکثری بودن دین، اگر بتوان یک حکومت دینی مردم سالار تعریف کرد که در آن اکثریت مردم آزادانه و آگاهانه به آن رأی

بدهند شاید بتوان تئوری حکومت دینی دموکراتیک را نیز تصور نمود. اما اینکه این حکومت در عمل دموکراتیک باشد یا نباشد بحث جداگانه‌ای است.

## ۲-۱- تاریخچه و ادبیات

می‌توان برای بررسی روند مطالعات دین و اقتصاد و آموزه‌های اقتصادی اسلام، دو مقطع تاریخی را از هم جدا نمود، قبل از قرن ۱۸ میلادی (زمان شکل‌گیری علم اقتصاد)<sup>۱</sup> و از قرن ۱۸ میلادی به بعد. قبل از قرن ۱۸، گرایش دین و اقتصاد به صورتی فرعی مطرح بوده و زیر سیستم مستقلی به حساب نمی‌آمده است. به این صورت که بعدها اقتصاد دین در کنار فلسفه، سیاست و ساختار اجتماعی مطرح بوده است. در آن زمان همچنین منظور از اقتصاد دینی بیشتر مجموعه قواعد و احکام فقهی در امور اقتصادی بوده است. بنابراین انتظار تولید مکتب یا نظام اقتصادی از دین در آن عصر دشوار است (بررسی موضوع را در چند قسمت فرعی ادامه می‌دهیم).

### ۱-۲-۱- بروز عقیده دینی و دیگر بحث‌های آغازین

**اندیشه موسی و دین یهود:** اگر تاریخ شکل‌گیری دین یهود به عنوان شروع طرح دین و اقتصاد در نظر گرفته شود، می‌توان حدود سال ۱۲۵۰ قبل از میلاد را آغاز آن دانست. در این زمان در گفته‌های حضرت موسی و گزاره‌های تورات بحث‌های اقتصادی همانند سخت‌کوشی، کمک به هم‌نوع و موارد مشابه مطرح بوده است. **اندیشه زرتشت:** هر چند تاریخ آغازین شکل‌گیری عقیده زرتشت به طور دقیق معلوم نیست، اما بین ۱۰۰۰ تا ۶۰۰ قبل از میلاد می‌توان پرتوهایی از این دین را ملاحظه کرد. کمک به هم‌نوع و بخشیدن ۱۰ درصد پس‌انداز به فقیر از تاکیده‌های صریح زرتشت است. البته توجه عملی به پندار نیک، گفتار نیک و کردار نیک که شعار معروف این پیامبر است می‌تواند پشتوانه اقتصاد سالم به حساب آید. **اندیشه بودا:** حدود ۶۰۰ قبل از میلاد می‌توان ردپاهایی از آموزه‌های اقتصادی بودا را هم ملاحظه کرد. فکر بودا، که هم نوعی دین و هم نوعی فلسفه است، بر اساس آموزه‌های «سیدهارتا گوتاما بودا»<sup>۲</sup> (۴۸۳-۵۶۳ قبل از میلاد) مطرح بوده و همانند دیگر دین‌ها پیوند اقتصادی خاص خود را دارد.

۱. یادآوری می‌شود که اواخر قرن ۱۸ میلادی (۱۷۷۶) که سال انتشار کتاب ثروت ملل آدام اسمیت است، به سال شکل‌گیری علم اقتصاد نیز معروف گردیده است.

2. Siddhartha Gotama Buddha